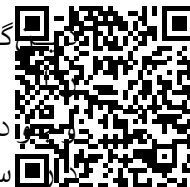


عوامل دین گریزی جوانان در دنیای امروز

معصومه دهقانی تفتی¹

سطح 2 (حوزه علمیه ام ابیها) (سلام الله علیها) نفت

چکیده



گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب همواره دغدغه ه برای رهبران دینی، دینداران و خانواده های متدین اد آمده و تهدیدی برای نسل جوان محسوب می شود. این پدیده های اخیر، به ویژه در قرن بیستم، بخش عظیمی از جریانه های فرا گرفت و حتی موجب به وجود آمدن مکاتب فلسفی الحادی و ایدئولوژی های دین ستیز با دین گریز گردید. دین گریزی مقوله تک علتی نیست و علل متعددی در تحقق آن موثر است. تحقیق حاضر به روش توصیفی و تحلیلی تدوین شده است. عوامل دین گریزی جوانان در دنیای امروز عبارت اند از: خانواده، دوستان و همسالان، فقر، عمل نادرست برخی از عالمان دینی، ضعف نظام آموزشی و دشواری القای مفاهیم دینی، سخت و نازیبا جلوه دادن دین، نقشه دشمن در ایجاد دین گریزی، رسانه ها و شبکه های اجتماعی، که برگرفته از مجموعه معارف قرآن و روایی است.

DOI:10.2026.0410
MNR-424-2-1DBFEE

واژگان کلیدی: دین، دین گریزی، عوامل دین گریزی

مقدمه

بی تردید جوانی کانون نیرو و مظهر زیبایی است؛ سرشار از وجد و نشاط و لبریز از عشق و امید است. ایام جوانی، دوران درخشندگی، شادمانی، قوت، امید، کوشش و هیجان است. یکی از بزرگترین سرمایه های هر مملکت نیروی انسانی آن است و مهم ترین نیروی انسانی هر کشوری را نسل جوان تشکیل می دهد. اسلام نیز توجه خاصی به نسل جوان داشته و جوانان را از نظر مادی و معنوی، روحی و تربیتی، اخلاقی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، تحت مراقبت کامل قرار داده است. اولیای گرامی اسلام جوانی را یکی از نعمت های پر ارج الهی و از سرمایه های بزرگ سعادت در زندگی بشر به حساب آورده اند.²

¹ y.dehghani1400@gmail.com² فضل الله، دنیای جوانان، ص 10



یکی از نیازهای فطری و طبیعی انسان، دین‌گرایی است که با این سرشت متولد می‌شود و فطرت سلیم او را به سوی پذیرش تعالیم دینی و عمل به آن‌ها فرامی‌خواند.³ دین به عنوان نظام اعتقادی سازمان‌یافته همراه با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعریف‌شده است که تعیین‌کننده شیوه پاسخ‌دهی افراد به تجارب زندگی است. همچنین دین‌داری به عنوان جستجوی شخصی یا گروهی تقدس که در یک بافت مقدس سنتی ظاهر می‌شود در نظر گرفته شده است.⁴ به نظر یونگ معنی دین عبارت است از «تفکر از روی وجدان یا کمال توجه» درباره آن چیزی است که رودولف اتو آن را شیء مقدس و نورانی دانسته است.⁵ از منظر قرآن کسی دیندار است که اعمال و رفتارش باعث رضایت خدای سبحان شود. اما دین‌گریزی یعنی عدم اعتقاد، پذیرش و اطاعت نسبت به هر آنچه خدای سبحان توسط انبیا و ائمه برای جامعه بشری نازل کرده است.⁶ دینداری نهادینه کردن تعالیم و ارزش‌های دینی در همه ابعاد حیات آدمی است، ولی پیوسته عواملی به صورت پیدا و نهان، دینداری را تهدید می‌کند که این عوامل و موانع بازدارنده، فرا راه اندیشه دینی و گرایش انسان به دین قرار می‌گیرد و زمینه را برای دین‌گریزی فراهم می‌آورد.⁷

اقبال یا ادبار آدمیان به دین همچون بسیاری از امور اجتماعی معلول علل و عوامل متعددی است. گستره و قلمرو این بحث، حوزه‌های فلسفی، کلامی، فقهی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی دین را شامل می‌شود. پیچیدگی انسان و امور انسانی مانع از آن است که بتوانیم افکار و اعمال او را به یک یا چند علت محدود بازگردانیم. لذا باید در پی کشف علل پیدا و پنهانی بود که در تقویت و تضعیف دین‌داری انسان‌ها نقش ایفا می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به حاکمیت نظام دینی در جامعه ما و تولیت امور جامعه توسط دینداران و نقشی که در این موضوع بر اقبال و ادبار آدمیان به دین دارد، ضرورت تأمل در مسئله را مضاعف می‌کند. همچنین، تلاش عوامل خارجی و داخلی برای ایجاد شکاف بین دین و دینداران نباید نادیده گرفته

¹ معافی اشرافی، عوامل موثر بر دین‌پذیری و دین‌گریزی جوانان از دیدگاه جوانان، ص 14

² عبدالله پور و دیگران، رابطه دین‌داری با کارکرد خانواده، ص 158

³ نوابخش و پوریوسفی و میرآخوری، بررسی میزان پایبندی مذهبی، ص 62

⁴ معافی و اشرافی، عوامل موثر بر دین‌پذیری و دین‌گریزی جوانان از دیدگاه جوانان، ص 28

⁵ شاه محمدی، عصر ارتباطات و اطلاعات و جهانی شدن دین، ص 144

شود. تمامی این امور، ضرورت توجه به مسائل دینی و اعتقادی، ازجمله مسئله مهمی چون بررسی و کشف علل و عوامل دین‌گریزی یا دین‌گرایی را مؤکد می‌کند.⁸ از همین رو، تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که: عوامل دین‌گریزی جوانان در دنیای امروز چیست؟

مفاهیم و کلیات:

واژه دین‌گریزی از دو قسمت دین و گریز تشکیل شده است. از این رو شایسته است هریک از این اجزا را جداگانه محل تأمل قرار دهیم.

مفهوم لغوی دین

برای واژه «دین» در معاجم و کتب لغوی معانی بسیاری ذکر شده است. برای نمونه، دین در لغت به معانی کیش، شریعت، طریقت، جزا، طاعت، حساب، عادت، همبستگی، استعمال، حکم، قهر، قضا، داور، مذهب و آیین آمده است.⁹ این واژه بیش از نود بار در قرآن کریم آمده با معانی زیر بکار رفته است.¹⁰

- 1- اطاعت، بندگی و پیروی: وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ¹¹؛ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ¹²؛ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ¹³
- 2- جزا، پاداش و کیفر: مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ¹⁴؛ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ¹⁵
- 3- حکم و فرمان: وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ¹⁶
- 4- کیش، شریعت و قانون: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ¹⁷؛ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ¹⁸؛ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ¹⁹
- 5- ملک و سلطنت: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ²⁰

1 باربور، علم و دین، ص 25

2 دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 2، ذیل واژه دین

3 طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 418

4 بینه: 5

5 انفال: 39

6 توبه: 29

7 حمد: 4

8 ذاریات: 5 و 6

9 نور: 2

1 بقره: 256

2 توبه: 33

3 کافرون: 6

6- ملت: قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ 21

7- تسلیم: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ 22

8- اعتقادات: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ 23

9- توحید و یگانگی: فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ 24

10- حساب: لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ 25

هرچند هر آیه ای معنای مخصوص به خود را از دین اراده کرده است، نمی توان انکار کرد که اکثر این معانی بر محور لزوم طاعت و انقیاد می گردند، اگر نتوان ادعا کرد که پیروی و انقیاد و اطاعت تنها معنای لغوی دین است.

مفهوم اصطلاحی دین

علامه طباطبایی (قدس سرّه) از دو گونه تعریف اصطلاحی دین پرده برمی دارد: 1- «حد الدین و معرفه و هو انه نحو سلوك في الحياه الدنيا يتضمن صلاح الدنيا بما يوافق الكمال الاخرى، و الحياه الدائمہ الحقیقه عندالله سبحانه، فلا بد في الشریعه من قوانین تتعرض لحال المعاش على قدر الاحتیاج».²⁶

تاکید علامه (قدس سرّه) بر صلاح زندگی دنیوی و سعادت اخروی می فهماند که دین تنها به بیان رابطه انسان با خدا نمی پردازد که امری فردی تلقی گردد بلکه تنظیم روابط اجتماعی انسان ها و مانند آن را نیز مورد توجه قرار می دهد. شاید بتوان از همین تعریف در شکل دهی قلمرو دین و رفع شبهات محدودیت زای برای دین بهره گرفت.

2- أن الدین و هو سلسلة من المعارف العلمیه التي تتبعها آخری عملیه یجمعها أنها اعتقادات، و الاعتقاد والإیمان من الامور القلبیه التي لا یحکم فیها الإکراه و الإجبار.²⁷

تعبیر دیگر ایشان از همین بیان این است: فالدين سنة عملیه مبینیه على الاعتقاد فی أمر الكون و الإنسان بما أنه جزء من أجزائه. گویی علامه (قدس سرّه) در پی

4 بقره: 193

5 انعام: 161

6 ال عمران: 19

7 بقره: 256

8 زمر: 2

9 کافرون: 6

1 طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 130

2 همان، ص 342



دفع شبهه ای که انتظارش را دارد کلامش را اینچنین ادامه می دهد:

و ليس هذا الاعتقاد هو العلم النظري المتعلق بالكون والإنسان فإن العلم النظري لا يستتبع بنفسه عملا وإن توقف عليه العمل بل هو العلم بوجود الجری علی ما يقتضيه هذا النظر و إن شئت فقل: الحكم بوجود اتباع المعلم النظري والالتزام به و هو العلم العملي كقولنا: يجب أن يعبد الإنسان الإله تعالى و يراعى فی أعماله ما يسعد به فی الدنيا والآخرة معاً

و این اعتقاد با علم استدلالی و یا تجربی که پیرامون عالم و آدم بحث می کند تفاوت دارد، زیرا علم نظری به خودی خود مستلزم هیچ عملی نیست، اگرچه عمل کردن احتیاج به علم نظری دارد، به خلاف اعتقاد که عمل را به گردن انسان می گذارد و او را ملزم می کند که بایستی بر طبق آن عمل کند. به عبارت دیگر: علم نظری و استدلالی آدمی را به وجود مبدأ و معاد رهنمون می شود و اعتقاد آدمی را وادار می کند که از آن معلوم نظری پیروی نموده و عملاً هم به آن ملتزم شود. پس اعتقاد علم عملی است، مثل این که می گوییم بر هر انسان واجب است که مبدأ این عالم یعنی خدای تعالی را بپرستد و در اعمالش سعادت دنیا و آخرت خود را مد نظر قرار دهد. بدین ترتیب علامه طباطبایی (قدس سرّه) یکی از شاخص های ویژه دین و فراخوان دینی را پایبندی و اعتقاد می داند. ایشان باور دارد این سه رشته ی علم، اعتقاد و عمل است که درهم تنیده ما را به دین می رساند.²⁸ نمونه دیگر بهره گیری از قرآن در تعریف دین نگاه ویژه شهید مطهری (قدس سرّه) به دین است که تفسیری شیوا بر این آیه می تواند باشد: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»²⁹ وی می نویسد: اسلام همان تسلیم است و لازمه تسلیم خدا شدن پذیرفتن دستورهای اوست و روشن است که همواره به آخرین دستور خدا باید عمل کرد که این آخرین رسول او آورده است.³⁰

مراد از سخن شهید مطهری (قدس سرّه) این است که آیین حقیقی در پیشگاه خداوند همان تسلیم در برابر فرمان اوست. در واقع، روح دین در همه زمان ها چیزی جز تسلیم در برابر حقیقت نبوده است و از آنجاکه دین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عالی ترین نمونه آن بوده نام اسلام برای آن انتخاب شده است. بدین ترتیب، دین به تصریح قرآن کریم اسلام است، بدین معنا که

¹ همان، ج 5، ص 8

² آل عمران: 29

³ مطهری، نرم افزار مجموعه آثار، ج 1، ص 277

وَمَنْ يَبْتَغِ الْإِسْلَامَ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»³¹ در این آیه قرآن به صراحت می‌فرماید که هیچ آیینی جز اسلام از کسی پذیرفته نیست.

محمد بن حسن طوسی در التبیان پلی ارتباطی بین معنای لغوی دین به اطاعت به معنای آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» برقرار می‌کند و می‌نویسد: «معنی الدین هاهنا الطاعة فمعناه ان الطاعة لله عزوجل هی الإسلام».³²

شاید بتوان از جمع این سخنان تعریفی این‌چنین برای دین بیان کرد:

مجموعه‌ای از قوانین و تعالیم الهی که خردمندان را به پیروی از خدا و پیامبر خدا فرامی‌خواند و به نیکی و نیکوکاری و سعادت دنیوی و اخروی دعوت می‌کند.³³

سخن خواجه طوسی در تعریف دین مؤیدی دیگر بر این تعریف است:

دین عبارت است از جعل و تنظیم اسرار تکوینی و طبیعی مسیر تکامل انسانی که بر طبق ناموس آفرینش به متن حقیقت و واقعیت خارج به لسان سفرای الهی که اهل طهارت و عصمت به مبین حقایق اسماء و امام قافله انسانیت‌اند بیان شده است.³⁴

گریز:

در مفهوم واژه گریز دستکم سه موضوع اساسی لحاظ شده است

- 1- دور شدن و فاصله گرفتن 2- نوعی مواجهه و آشنایی اولیه
- 3- نوعی نفرت و دلزدگی

در اصل وجود دین‌گریزی باید گفت که اگر این واژه به معنای ترک کردن و رها کردن دین باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین‌داری یک امر فطری است و انسان جداشدنی نیست. چنان‌که قرآن کریم نیز بر این حقیقت

4 آل عمران: 85

5 طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 418

1 فاروقی تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، ج 1، ص 814

2 طوسی، آغاز و انجام، ص 127

اشاره می‌کند: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»³⁵ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند).

پدیده دین‌گریزی یکی از مشکلات اساسی جوامع انسانی است که همواره دغدغه‌هایی را برای رهبران دینی، دین‌داران و خانواده‌های متدین به وجود آورده و تهدیدهایی جدی برای نسل جوان محسوب شده است. این پدیده، سابقه‌ای دیرینه دارد و همواره جوامع بشری با آن دست به گریبان بوده اند.

واژه جوان در لغت

جوان یعنی هر چیزی را که از عمر آن چندان نگذشته باشد، خواه انسان باشد، خواه حیوان باشد و خواه نبات، به عبارت دیگر انسان یا حیوان یا درختی که به حد میانه عمر طبیعی خود رسیده باشد جوان یا برنا نامیده می‌شده و متضاد پیر می‌باشد.³⁶ در ادبیات عرب واژه «شباب و فتی» معادل جوان به کار رفته است، «شباب به معنای کسی است که قدرت جسمانی و توانایی هایش رشد و نمو کرده و در اوج قدرت بدنی و روحی باشد».³⁷

واژه جوان و معادل آن در قرآن

معادل واژه جوان در قرآن واژه «فتی» است که با مشتقات آن ده بار به کار رفته است. موارد کاربرد آن عبارت‌اند: «جوانی حضرت ابراهیم، اصحاب کهف و دوست جوانمرد حضرت موسی (علیه السلام) به معنای غلام در مورد حضرت یوسف (علیه السلام) و دو جوانی که در زندان هم سلولی حضرت یوسف بودند غلامان یوسف (علیه السلام) کنیزان و دختران جوانشان، مؤنث آن «فتاه» و جمع آن «فتیه، فتیان، فتیات» می‌باشد».³⁸

بیشترین کاربرد این واژه به معنای جوانمرد است، چنان‌که وقتی امام صادق (علیه السلام) از مسعودی پرسیدند: «فتی از نظر شما کیست؟ او گفت: مراد جوان است. امام فرمود: منظور از

³ روم: 30

¹ دهخدا، لغت نامه، ص 139

² احمد و زکریا، معجم مقیاس اللغة، ج 3، ص 177

³ مغزل، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، ص 372

فتی، مؤمن است، چون می‌بینیم خداوند در قرآن اصحاب کهف را به خاطر ایمانشان فتنه نامیده با اینکه آنان مردان کاملی بودند.³⁹ بنابراین از دیدگاه قرآن، مراد از جوان، «فقط کسی نیست که از نظر سنی و جسمانی و قدرت بازو جوان باشد. بلکه معیار جوانی، قدرت ایمان است زیرا با این قدرت می‌توانند در خود انقلاب کنند و راه و روش خود را تغییر دهند بنابراین در قرآن، گاه به یک فرد نوجوان، جوان خطاب شده است» و «گاه به افراد مسنی که جوانمرد مؤمن بودند نیز جوان خطاب کرده است».⁴⁰

تعریف جوان و سن جوانی در اصطلاح

در علم روان‌شناسی، جوان به اشخاص 16 تا 25 ساله اطلاق می‌شود.⁴¹ البته میان سن جوانی برحسب شرایط اقلیمی کشورها و قوانین مدنی آن‌ها فرق می‌کند. برخی دوران جوانی را بین 16 تا 20 سالگی دانسته‌اند، که دوره‌ای که از آن با صفت «مستی روحی» یاد شده است.⁴² عده‌ای سن 16 تا 25 سالگی را مرحله جوانی نامیده‌اند.⁴³ به هر حال اگر سن بلوغ جنسی و جسمی را بر اساس تحقیقات انجام‌شده حدود 14 و ورود به مرحله بزرگسالی را حدود 27 سالگی در نظر بگیریم این دوران 13 ساله را دوره جوانی می‌نامیم.⁴⁴

ویژگی‌های دوره جوانی

برای اینکه بتوانیم آسیب‌شناسی بهتری از جوان داشته‌باشیم در اینجا به برخی از ویژگی‌های دوره جوانی اشاره می‌شود:

1- خیال‌پردازی: یکی از تمایلاتی که در دوره جوانی به شدت بروز می‌کند و موجب سرپیچی نوجوانان از روش‌های بزرگسالان می‌گردد، علاقه به تخیلات و تصورات افسانه‌ای است. در این دوره خیال‌پردازی، چنان در روح جوانان اثر می‌گذارد که از درک حقایق زندگی و واقعیت‌های عینی باز می‌دارد. این حالت روانی اگر در مسیر درست قرار نگیرد آن‌ها را به مخالفت و

4 یوسف: 39

5 کهف: 10-13

1 شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، ص 433

2 فلسفی، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، ج 1، ص 14

3 شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، ص 443

4 میرباقری، مقاله مندرج در کتاب جوان رسالت حوزه، چاپ اول، ص 29

عصیان از نظام زندگی می‌کشاند و نیروها و فرصت موجود را که سرشار از شرایط مساعد و خوشبختی و سعادت است به رایگان از کف می‌دهند⁴⁵ امام علی (علیه السلام) فرمودند: «مِنَ الْحُمَقِ الْاِتِّكَالُ عَلَى الْأَمَلِ»⁴⁶ تکیه کردن به آرزو از حماقت است و حضرت در روایتی دیگر می‌فرمایند: «كَثْرَةُ الْأَمَانِيِّ مِنْ فُسَادِ الْعَقْلِ» ؛ آرزوهای بسیار، از تباهی عقل است.⁴⁷

2- علاقه به دوستی با همسالان: بشر در تمام دوران زندگی خویش همواره نیازمند دوستی با دیگران است. جوانان نیز در این سنین به گروه همسالان، علاقه بیشتری پیدا می‌کنند، با آنان روابط دوستانه و صمیمانه برقرار می‌سازند و دوست دارند بیشتر اوقاتشان را با آنان بگذارند. گاه این علاقه و دوستی تا مرحله عشق ورزیدن پیش می‌رود. آن‌ها به همسالان خود پناه می‌برند؛ زیرا مشکلاتی مشابه دارند. جوانان با یکدیگر انس می‌گیرند و حتی رفتارشان نیز در یکدیگر تأثیر می‌گذارد. بنابراین انتخاب دوست در این دوران از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چه اینکه سعادت و خوشبختی نیز در معاشرت و دوستی با مردمان بزرگوار است.⁴⁸

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این رابطه می‌فرمایند: «أَسْعُدُ النَّاسَ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ» ؛ خوشبخت‌ترین مردم، کسی است که با مردمان بزرگوار درآمیزد.⁴⁹

نباید احساسات فرد در این سنین، نسبت به دوستانش لکه دار گردد گو اینکه جوان با استفاده‌ی مثبت از دوستان خود می‌تواند بر بسیاری از مشکلاتش فایق آید.

3- شدت یافتن غریزه جنسی: غریزه جنسی یکی از غرایز نیرومند و حساس در وجود انسان است. این غریزه در حیات روانی و جسمانی انسان تأثیرات فراوانی دارد. بسیاری از اعمال و رفتارها حتی بیماری‌های جسمانی و روانی انسان از این غریزه مایه می‌گیرد. اگر این غریزه به‌نحوی درست و با روش عاقلانه‌تر پرورش یابد، زندگی را قرین آسایش می‌گرداند و

⁵ حسینی ادیبی، آشنایی با نظام تربیت اسلام، ص 165

⁶ عبدالواحد ابن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، ج 1، ص 673

⁷ لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ج 1، ص 389

¹ موحدنیا، علل گرایش نسل جوان امروز به فرهنگ بیگانه، ص 21

² بابویه، الامالی (للمدوق)، ج 1، ص 20

چنانچه در طریق افراط و تفریط واقع شود ممکن است صدها ضایعه جسمانی و روانی به دنبال بیاورد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به زیبایی تمام دوران جوانی را به تصویر می کشند:

جوانی، یک پدیده درخشان و یک فصل بی بدیل و بی نظیر در زندگی هر انسانی است. جوان در دوره جوانی، به خصوص در آغاز جوانی، تمایلات و انگیزه هایی دارد: اولاً، چون در حالت تکوین هویت جدید خود است، مایل است شخصیت جدید او به رسمیت شناخته بشود که غالباً این اتفاق نمی افتد و پدر و مادرها جوان را در هویت و شخصیت جدید او گویا به رسمیت نمی شناسند. ثانیاً، جوان احساسات به انگیزه هایی دارد؛ رشد جسمانی و روحی دارد؛ به دنیای تازه ای قدم گذاشته است که غالباً دور و بری ها، خانواده، کسان، افراد در جامعه، از این دنیای جدید بی خبر و بی اطلاع می مانند، یا به آن بی اعتنایی می کنند؛ لذا جوان احساس تنهایی و غربت می کند. ثالثاً، جوان در دوره جوانی، چه اوایل بلوغ چه بعدها، با مجهولات زیادی روبرو می شود؛ مسائل جدیدی برای او مطرح می شود که سؤال انگیز است؛ در ذهن او شبهه ها و استفهام هایی به وجود می آید که مایل است به این شبهه ها و سؤال ها و استفهام ها پاسخ داده بشود. رابعاً، جوان احساس می کند در وجود او انرژی های متراکم وجود دارد؛ توانایی هایی را که در خود احساس می کند؛ هم از لحاظ جسمانی، هم از لحاظ فکری و ذهنی. خامساً، جوان برای اولین بار با دنیای بزرگی در دوره جوانی مواجه می شود که این دنیا را تجربه نکرده و از این دنیا چیزهای زیادی نمی داند؛ بسیاری از حوادث زندگی برای او پیش می آید که تکلیف خودش را در مقابل آن ها نمی داند؛ احساس می کند که احتیاج به راهنمایی و کمک فکری دارد.⁵⁰

4- جوان و آراستگی: زیبایی دوستی و آراستگی از ویژگی های فطری جوان است. آنان به دلیل داشتن روحیه ای پاک، شاداب هستند. به گفته مقام معظم رهبری (مدظله العالی) «هرجا جوانان هستند، تر و تازگی، طراوت و صفا و نشاط و خوبی است. وقتی با جوانان هستم و در محیط جوانان قرار دارم، احساس من مثل احساس کسی است که در هوای صبحگاهی تنفس



می‌کند، احساس طراوت و تازگی می‌کنم».⁵¹ در گفتار پیشوایان دین، افزون بر توجه به زیبایی‌های طبیعی، به آراستگی ظاهری نیز سفارش شده است. امام حسن مجتبی (علیه السلام) درباره دلیل آراستن خود به هنگام نماز فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي»⁵²؛ خداوند با جمال است و زیبایی را دوست دارد و من به خاطر پروردگارم آراسته می‌شوم. حضرت علی (علیه السلام) نیز هنگام انتخاب لباس برای قنبر، لباس زیباتر و فاخری را برای او برگزید و یکی از دلایل خود را گرایش فطری یک جوان به زیبایی بیان فرمود: «أَنْتَ شَابٌّ وَ لَكَ شِرَّةُ الشَّبَابِ»؛ تو جوانی و مانند دیگر جوانان به زیبایی بسیار رغبت داری.⁵³

این حس زیبایی‌دوستی جوان می‌تواند او را به جستجوی زیبایی‌های معنوی و اخلاقی نیز رهنمود کند. جوانان باید این سفارش حضرت علی (علیه السلام) را در نظر داشته باشند که: «مَيِّزَهُ الرَّجُلُ عَقْلُهُ وَجَمَالُهُ مُرُوءَتُهُ»؛ امتیاز مرد به عقل او و زیبایی‌اش به مردانگی و فضیلت‌های اخلاقی اوست.⁵⁴ در آخر باید گفت، هر چند زیبایی و آراستگی برای جوانان اهمیت دارد، برآزندگی جوان در این است که این زیبایی‌های ظاهری، پلی به زیبایی‌های باطنی بزند.

علل و عوامل دین‌گزینی

در این قسمت با بررسی متون دینی، علل و عوامل دین‌گزینی از منظر آیات و روایات استخراج شده‌اند. طبیعی است بررسی همه آیات و حجم بالای روایات در این خصوص، کاری به مراتب مفصل‌تر و عمیق‌تر از یک پژوهش معمولی را می‌طلبد که از رسالت این نوشتار بیرون است. آنچه از علل و عوامل در اینجا آمده، محصول بررسی بخشی از آیات و روایات اسلامی است.

1- خانواده

خانواده، سپر آهنین و نیرویی مطمئن برای انسان است. خانواده، همان عشیره و خاندان فرد است؛ چراکه با ایشان

² بیانات مقام معظم رهبری، جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، 1377/11/13

³ مجلسی، بحارالانوار، ج 83، ص 175

⁴ نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المائل، ج 8، ص 256

¹ کلینی، الکافی، ج 8، ص 79



قدرتمند می‌شود.⁵⁵ بنابراین مفهوم لغوی خانواده تنها در حوزه و قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشاوندان او که با آنها قدرتمند می‌شود، نیز هست. در میان اعضای خانواده، بیشترین تأثیر را پدر و مادر دارند. به همین دلیل، اولین عامل زمینه‌ساز پذیرش و گریز از دین، رفتار و منش پدر و مادر می‌باشد. با توجه به آیات و روایات، می‌توان این مطلب را به دست آورد که هنگامی که نوح (علیه السلام) از قوم خود ناامید شد، از خدای سبحان خواست آنان را نابود کند: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذِيَّارًا»⁵⁶؛ و نوح گفت: پروردگارا! هیچ‌کس از کافران را بر روی زمین مگذار. در آیه بعد یکی از علل درخواست نابودی کفار را چنین بیان می‌فرماید: «إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا»⁵⁷؛ چراکه اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند؛ بنابراین، پدر و مادر در این زمینه نقش اساسی دارند؛ ممکن است همانند پدران و مادران قوم حضرت نوح (علیه السلام)، همه فرزندان که از دامن آنان به دنیا می‌آیند انسان‌های پلید و بی‌دینی باشند.⁵⁸ پدر و مادر به منزله یک فضای بعد دار می‌باشند؛ فضایی که فرزند با آن تقریباً همه‌وقت در تماس می‌باشد؛ شب و روز، در تاریکی و روشنی، در خواب و بیداری، همه گاه و در همه حال. رابطه افراد در این فضا، محبت است و به‌تدریج باید این محبت خانوادگی را به محبتی خدایی تبدیل کرد تا صفای بیشتر و نفوذی عمیق‌تر و دوامی جاودانه داشته باشد.⁵⁹ بی‌تردید پراهمیت‌ترین و حساس‌ترین و عالی‌ترین فرصت و زمان برای تربیت و شکوفایی و بهره‌ور ساختن استعداد های انسانی، دوران خردسالی است. اگر در این موقعیت مورد بهره‌برداری قرار گیرد، بهترین نتایج تربیتی به دست می‌آید. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فرزندان را اکرام کنید و آنها را نیکو ادب کنید».⁶⁰ لازم است والدین، فرزندان خود را با معارف حیات‌بخش و انسان‌ساز قرآن آشنا سازند و آیات و

² ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث والاثیر، ج 4

³ نوح: 26

⁴ نوح: 27

¹ اصفهانی، نگاهی به عوامل جامعه شناسی و روان شناختی دین گریزی، ص 82

² مظلومی، گامی در مسیر تربیت اسلامی کودکی تا بلوغ، ص 218

³ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 222



مفاهیم آن را به صورت اندیشه های پویا در اذهان فرزندان نشان درآورند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مقام معنوی والدینی را که به فرزندان خود قرآن تعلیم می دهند، چنین تبیین می کند: «هر کس صورت فرزندش را ببوسد، خداوند متعال برای او یک حسنه می نویسد و هر کس کودک خود را شاد نماید، خداوند روز قیامت او را مسرور خواهد کرد و هر کس به فرزند خود قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر او را دعوت می کنند و لباسی درخشان و بهشتی بر آن ها می پوشانند که از نور آن چهره های اهل بهشت روشن می شود».⁶¹ بنابراین، اگر والدین این حق مسلم فرزندان را رعایت نمایند، آنان در آینده نسلی متدین، پاکیزه، همدل، متفکر و آینده نگر خواهند داشت. حضور افراد در مجالس مذهبی (اعم از مجالس سخنرانی، سوگواری یا اعیاد و ...) باعث می شود که روح دینی و فطرت مذهبی شان پرورش یابد. البته باید بزرگترها مواظبت کنند که در آن مجالس مطلب خرافاتی و القای نادرست مطرح نگردد.⁶² خانه ی خدا، یعنی مسجد، کودک را با اجتماعی آشنا می سازد که آنان را به خاطر هدفی مقدس جمع داشته است (نه برای پول و مال و شهوات و امور دنیایی موقت و بی اساس) و همه برای سالم بودن و بهتر شدن و بندگی حق و خیر کردن، در آنجا گردآمده اند و نظام نماز جماعت و احترام به بزرگترها و انضباطی که در عمل دارند، همه آموزنده و آماده ساز پرورش وجودی فرزند خواهند بود و بنا به قولی، «مسجد، روح دینی را از افرادی که متدین و مؤمن هستند به فردی که می خواهد متدین شود، منتقل می نماید».⁶³

2- دوستان و همسالان

در میان همه عوامل تأثیرگذار، هیچ عاملی به اندازه ی دوستان در سرنوشت انسان مؤثر نیست. دوست، هم نشین و رفیق بالاترین تأثیر را در ساختار شخصیت انسان می گذارد؛ زیرا اثرپذیری افراد از دوستان خویش از هر چیز دیگر زیاده تر است. بر این اساس، اگر دوستان انسان، افراد باایمان، خوشرفتار و دارای صفات نیک و اخلاق حسنه نظیر صداقت، امانت، عفت، سخاوت، ایثار، شجاعت، جوانمردی و ... باشند، انسان نیز به حکم اثرپذیری، به همین صفات متصف خواهد شد. اگر دوستان انسان،

⁴ کلینی، الکافی، ص 49

⁵ مظلومی، گامی در مسیر تربیت اسلامی کودکی تا بلوغ، ص 220

¹ همان، ص 219



افرادی بی‌عقیده، سست مذهب، بدرفتار، آلوده و دارای اخلاق زشت و اوصافی حیوانی باشند، قهراً به حکم اثرگذاری در دوستان، انسان را در همین وادی قرار داده و به ورطه سقوط می‌کشانند. بر همین اساس، آموزه‌های دینی به ما توصیه می‌کنند که پیش از ارزیابی دوستان هر فرد، در مورد وی قضاوت مثبت یا منفی نداشته باشید. در فرازی از سفارش‌های امام خمینی (قدس‌سره) به فرزند بزرگوارشان آمده است: «از وصیت‌های من که در آستانه مرگ که نفس‌های آخر را می‌کشم، به تو که از نعمت جوانی برخورداری آن است که معاشران خود و دوستان خویش را از اشخاصی وارسته و متعهد و متوجه معنویات و آنان‌که به حب دنیا و زخارف آن گرایش ندارند و از مال و منال به اندازه کفایت و حد متعارف پا بیرون نمی‌گذارند و مجالس و محافلشان آلوده به گناه نیست و از اخلاق کریمه برخوردارند انتخاب کن که تأثیر معاشرت در دو طرف صلاح و فساد اجتناب‌ناپذیر است. سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند پرهیز نمایی که با خو گرفتن به این مجالس، ممکن است از انسان سلب توفیق شود که خود مصیبتی است جبران‌ناپذیر».⁶⁴ از حضرت سلیمان روایت شده است که فرمود: «درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا رفقاییش را ببینید؛ چراکه انسان از نزدیکان خود شناخته می‌شود».⁶⁵ امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «کسی که با رفیق بد هم‌نشین شود سالم نمی‌ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می‌شود».⁶⁶

تأثیر دوست به قدری فراوان است که وقتی دوست کسی را بشناسیم، در شناخت شخصیت خود فرد کافی است؛ چراکه همان خلیقات دوست، در فرد متجلی خواهد شد و تأثیر خود را خواهد گذاشت؛ چنان‌که آمده: «با نیکان هم‌نشین باش تا از زمره آنان شوی».⁶⁷

3- فقر

یکی از عوامل دین‌گریزی یا تضعیف عقاید دینی افراد، فقر و ناداری است. فقر، دین داری را تهدید می‌کند و مانع رشد اخلاقی و تعالی انسان و موجب سقوط به ورطه کفر و تباهی

² خمینی، صحیفه نور، ص 269

³ نوری، مستندک الوسایل، ص 327

¹ همان، ص 393

² همان، ص 92



می‌شود. از این رو تعالیم اسلامی، فقر را نکوهش نموده و پیامدهای زیان‌بار آن را به حاکمان و متولیان جامعه تذکر می‌دهد. در روایات اسلامی، فقر عامل افزایش خطا و گناه، دشوارتر از کشته شدن، سخت‌تر از آتش نمرود، موجب سراسیمگی عقل و کلید بدبختی و ناامیدی دانسته شده است.⁶⁸ فقر برای انسان انزوای فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی می‌آورد. انسانی که فکر و اندیشه‌اش را تأمین آب و نان فراگرفته باشد، نمی‌تواند به رشد فکری و کمال برسد و از حقوق فردی، سیاسی و اجتماعی خود آگاه شود. در طول تاریخ، آن‌ها که خواسته اند مردم را از پرداختن به امور سیاسی و اجتماعی بازدارند، گرفتار زندگی روزمره کرده و از رشد و تعالی بازداشته‌اند. اسلام برای فقرزدایی برنامه‌های جدی دارد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در آخرین سخنان‌شان به حاکمان بعد از خود سفارش فرموده‌اند: «ولم یضرهم فیذلهم ولم یفتقرهم فیکفرهم».⁶⁹ حاکمان اسلامی باید به مردم زیان نرسانند تا خوارشان کنند و فقیر نکنند که کافرشان سازند. آن حضرت در کلامی دیگر فرمود: «لولا رحمه ربی علی امتی کاد الفقر أن یكون کفرا».⁷⁰ اگر رحمت خدا شامل حال فقرای امت نمی‌شد، نزدیک بود که فقر، به کفر بینجامد؛ و نیز فرموده است: «الفقر طرف من الکفر». فقر نیمی از کفر است. امام علی (علیه السلام) به فرزندش فرمود: «فرزندم! از فقر بر تو ترسانم؛ پس از آن به خدا پناه ببر که فقر، دین را می‌زداید و عقل را پریشان می‌کند و دشمنی پدید می‌آورد».⁷¹

شهید مطهری می‌گوید: «بسیاری از گناهان از فقر و احتیاج ناشی می‌شود... فقر به سرحد کفر نزدیک است. فقر روح را عاصی و عزیمت را ضعیف می‌کند... فقر فکر را پریشان و دهشت زده می‌کند، عقل و فکر در اثر احتیاج و فقر و نبودن وسایل، تعادل خود را از دست می‌دهد... انسان دیگر نمی‌تواند خوب در قضایا فکر کند».⁷² امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «یا بُنَّیَّ من ابتلی بالفقر بتلی بأربع خصال بالضعف فی یقینا والنقصان فی عقله والرقه فی دینه وقلة الحياء فی وجهه، فنعود بالله من الفقر. هرکس به فقر مبتلا شود، به چهار خصلت مبتلا شده

3 همان، 415

4 کلینی، الکافی، ص 406

5 مجلسی، بحار النوار، ص 47

1 نهج البلاغه، حکمت 311

2 مطهری، مجموعه آثار، 745 و 746



است؛ به سستی در یقین، کاستی در عقل و خرد، ضعف در دین و کم‌حیایی در چهره‌اش؛ پس از فقر به خدا پناه می‌بریم».⁷³

پس بر صاحبان قدرت و عالمان آگاه و مؤمنان معتقد است که در جامعه اسلامی تلاش کنند تا فقر، ناداری و کمبود را که موجب دین‌گریزی و ضعف عمل به احکام اسلام است، از جامعه دینی بزدایند تا مردم در سایه حکومت دینی، طعم آسایش و رفاه معیشتی و عدالت اجتماعی را چشیده، فرصت گسترده‌تری برای تکامل روحی و تعالی اخلاق خود و فرزندان خویش بیابند و به دور از دغدغه‌های کشنده معیشتی، به عبادت خدا بپردازند.⁷⁴

4- عمل نادرست برخی عالمان دینی

همان‌گونه که اصلاح رهبران دینی موجب اصلاح مردم و از علل رشد دین و گرایش مردم به ارزش‌ها می‌شود، فساد و عملکرد ناشایست رهبران دینی و عالمان نیز موجب انحراف و دین‌گریزی مردم خواهد شد؛ زیرا وقتی مردم می‌بینند مدعیان رهبری به گفتار خویش ایمان ندارند و برخلاف دستورات دین عمل می‌کنند، در صداقت دعوتشان شک می‌کنند و در انجام اعمال دینی دچار تزلزل می‌شوند. قرآن تصریح دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»⁷⁵؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید که لغزش یک عالم موجب فساد عالم می‌شود: «زله العالم تفسد العوالم».⁷⁶ و در کلام دیگری می‌فرماید: «یا جابر ان قوام الدین والدنیا باربعه: عالم مستعمل علمه... فاذا ضیغ العالم علمه اسکف الجاهل أن یتعلم».⁷⁷؛ ای جابر! قوام دین و دنیا به چهار چیز است یکی از آن‌ها عالمی است که به خود عمل کند... هرگاه عالم به علمش عمل نکند، جاهل از فرا گرفتن گریزان گردد.

عمل درست و شایسته عالمان دین، نقش اساسی در گرایش مردم به ارزش‌های دینی دارد. فخر رازی می‌گوید: «زبان عمل چندان

³ آرام، ترجمه الحیاه، ص 388

⁴ شکوهی، عوامل و ریشه های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، ص 103

⁵ صف: 2

¹ ابن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص 109

² نهج البلاغه: حکمت 327

مؤثر است که گفته اند: تأثیر عمل یک نفر در هزار نفر بیشتر از تأثیر سخن هزار نفر در یک نفر است».⁷⁸

امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره ی نقش عالم درستکار می فرماید: «در بعضی از شهرستان ها که تابستان به آنجا می رفتم، می دیدم اهالی آن بسیار مؤدب به آداب شرع بودند. نکته اش این بود که عالم صالح و پرهیزکاری داشتند. اگر عالم ورع و درستکاری در یک جامعه زندگی کند، وجود او باعث تهذیب و هدایت مردم آن سامان می گردد؛ اگرچه لفظاً تبلیغ و ارشاد نکند».

بدین ترتیب یکی از عوامل گریز از دین، رفتار ناشایست برخی عالمان دینی است؛ همان گونه که عملکرد کلیسا در قرون وسطا که به کتمان حقایق، حرام خواری، حیف و میل، اموال مردم به باطل می پرداختند، عامل اصلی ارتداد و دین گریزی متفکران و اندیشه وران شد.⁷⁹ قرآن کریم بسیاری از احبار یهود و رهبران مسیحی را بازدارنده از دین داری و سد راه خدا می داند: «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»⁸⁰؛ بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند، [آنان را] از راه خدا باز می دارند.

5- ضعف نظام آموزشی و دشواری القای مفاهیم دینی

اثربخشی و کارایی نظام تعلیم و تربیت، برای نهادینه کردن آرمان های دینی در سطح جامعه و پویا کردن آحاد جامعه برای کسب ارتقای علمی، نیازمند برنامه ریزی توانمند و اجرای مناسب و نیز مطالعات آسیب شناسانه است. لازم به ذکر است که مراد از نظام آموزشی نظامی است که شامل همه نهادهای آموزشی از مدرسه، دانشگاه و حوزه تا صداوسیما می شود.⁸¹

مهم ترین آسیب های احتمالی نظام آموزشی که سبب دین گریزی است در ذیل شمارش می شود: 1-5. دشواری های القای مفاهیم دینی و شاخص سازی اخلاقی

³ فخر رازی، تفسیر کبیر، ج 3، ص 48

⁴ خمینی، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، ص 16

⁵ توبه: 34

¹ سروش، مدارا و مدیریت، ص 25



مسئله ای مهم بر سر راه طراحان و نیز مربیان دشواری القای مفاهیم دینی، مثل مفهوم خداوند و نبود شاخص اندازه گیری مفاهیم کیفی است؛ از سویی، القای مفاهیم ماورایی، خود نیازمند به آموزش ویژه دارد و از سوی دیگر تبدیل مفاهیم کیفی در حوزه اخلاق و معارف به سنجه های کمی بسیار دشوار و متأسفانه، کم سابقه است. نظام آموزشی مانند ریلی حرکت می کند که پیش از انقلاب و در رژیم سابق جاگذاری شده است و اسلامی سازی علوم انسانی نیازمند شاخص سازی و آموزش است. برای نمونه شاخص سازی مفاهیم تقوا، ایمان و امانتداری به سادگی امکان پذیر نیست. بدون شاخص سازی نیز پایش و اندازه گیری امکان ندارد و بدون اندازه گیری برنامه ریزی برای آینده معنا ندارد؛ تنها با شاخص و معیار مصوب است که می توان وضع موجود را سنجید و فاصله آن با وضع مطلوب را حدس زد.

5-2. وجود پارازیتها

پارازیت ها - یعنی عوامل مخلی که یک ارتباط مؤثر را ناکارآمد می سازد - از عوامل محدودساز فرایند ارتباطی اند. این عوامل موانع برقراری ارتباط سازنده مربی و فراگیر، در سطح خرد، و وسایل ارتباطی و رسانه با مخاطب، در سطح کلان، هستند. گاه عواملی مانع از رسیدن یا درست رسیدن پیام دینی به گیرنده پیام هستند. این پارازیتها را می توان در سه گروه دسته بندی کرد:

1- مشکل از سوی فرستنده، مثل نارسایی پیام و ناتوانی فرستنده در دفاع از اصل پیام

2- مشکل از خود پیام، مثل دیرفهمی پیام و نبود زمینه ذهنی نظیر بحث از واجب الوجود

3- مشکل از گیرنده، مثل حواس پرتی، دیر باوری و احاطه شدن با رسانه های بیگانه

5-3. ضعف اخلاق مربی⁸²

زمانی می توان تأثیر سخن را انتظار داشت که گوینده سخن خود به گفته ی خویش پایبند باشد و بدان عمل کند. اگر آنها که وظیفه آموزش دینی فرزندان را بر عهده دارند خود به



گناه دچار باشند، آسیبی بزرگ به نظام آموزشی است. با توجه به همین نقش حساس، گناه انسان آگاه و معلم جامعه است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «يُعْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُعْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ».⁸³ هفتاد گناه از جاهل بخشیده می‌شود پیش از آنکه یک گناه از عالم بخشیده شود.

این ضعف اخلاقی، افزون بر اینکه خود چهره‌ای ناشایسته از دین عرضه می‌کند و سبب دین‌گریزی است، گاه به شکل رفتارهای ناسنجیده بروز می‌کند و عاملی انتحاری در دور کردن به ویژه نسل جوان از دین می‌شود.

6- سخت و نازیباجلوه دادن دین

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «خدا مرا با شریعتی آسان و با گذشت مبعوث کرد».⁸⁴ و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر مردم، زیبایی‌های سخنان ما را بدانند، حتماً تبعیت می‌کند».⁸⁵

سادگی و زیبایی دو مقوله‌ای جذاب برای انسان‌اند و در مقابل، امور پیچیده و نازیبا، موجب تنفر آدمی می‌شوند. دین نیز به این نکته کاملاً توجه نشان داده و به زیبایی در آغاز اسلام و در وحی الهی، این مسئله تجلی یافته است. کتاب و کلام الهی در اسلام، قرآن (= خواندنی) نامیده شد. هر یک از سوره‌های آن با اسامی ساده و مأنوس با ذهن مخاطب انتخاب شدند؛ بقره، نساء، انفال، هود، یوسف، نحل، حج و سایر نام‌ها. شیوه بیان و زیبایی و سادگی حاکم بر آن، در زبان عربی بی‌نظیر است. انبیاء نیز همواره در گفتار و کردار، نمود زیبا و ساده‌ای داشته‌اند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شریعت خود «با آسان بودن» و «با گذشت بودن» توصیف می‌کند و دقیقاً از همین منظر است که آن حضرت به مبلغان دینی توصیه می‌فرمودند که بیش از آنکه انذار کننده باشند، بشارت بدهند. در روایات اسلامی آمده است که خداوند همان‌گونه که دوست دارد انسان‌ها به ضرورت‌های دینی عمل کنند، به همان اندازه دوست دارد در مواردی را که رخصت داده شده، وارد شوند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

² کلینی، الکافی، ج 1، ص 47

³ همان، ج 5، ص 494

⁴ مجلسی، بحالانور، باب 8، ص 92

«خداوند یک چیزهایی را ممنوع کرده، مرتکب آنها نشوید؛ و یک چیزهایی را واجب کرده، آنها را ترک نکنید؛ و درباره برخی مسائل سکوت کرده، البته نه از روی فراموشی، بلکه خواسته است که بندگان در آن مسائل آزاد باشند. در مواردی که خداوند مردان را آزاد گذاشته است، شما تکلیف درست نکنید!».⁸⁶ قرآن کریم نیز در بیان اهداف انبیا، در بخشی از آیه 157 سوره اعراف می‌فرماید: «انبیا آمده‌اند تا بارها و غل و زنجیرهایی که بر دوش و دست و پا و بر گردن مردم سنگینی می‌کنند، بردارند». طبیعی است که تبیین دین و اجرای آن باید به گونه‌ای باشد که این احساس در مردم به وجود آید و البته همه این موارد نباید به بهای کم رنگ شدن واجبات و محرمات دینی انجام گیرد. بنابراین لازم است: اولاً، واجبات و محرمات دین، تبیین شوند و حکمت و فلسفه آنها تا حد امکان بیان شود و ثانیاً، ظرفیت مخاطبان ملاحظه شود. لذا در مراحل اولیه، عمل به واجبات و محرمات کفایت می‌کند.

7- نقشه دشمن در ایجاد دین‌گریزی

بررسی آیات و روایات اسلامی، این حقیقت را آشکار می‌کند که دشمنان دین در هر عصری، سعی کرده‌اند دین را به نابودی یا حداقل به انزوا بکشانند و از حضور فعال آن در سطوح مختلف جامعه جلوگیری کنند. امروز با عنایت به وجود حکومت دینی در ایران، دشمنان دین و دین‌داری مردم، به انحاء مختلف و با تمام قوا به میدان آمده‌اند. لذا امروزه شناخت این جریان، بسیار حیاتی است. سالها پیش یکی از جاسوسان انگلیسی در ممالک اسلامی به نام همفر، خاطرات خود را با عنوان «چگونه اسلام را نابود کنیم» به چاپ رساند.⁸⁷ این اثر، بخشی از تلاش دشمنان را فاش می‌کند. وی راه‌های نابودی مسلمین را در 23 بند خلاصه کرده که از جمله راهکارهای وی از این قرار است

- ترویج زیر پا گذاشتن دستورات اسلام و سرکشی از اوامر و نواهی آن؛
- نفوذ در خانواده‌ها و کم‌رنگ کردن نقش والدین در تربیت فرزندان؛
- ترویج شرابخواری، فساد، بی‌بند و باری

¹ نهج البلاغه، حکمت 105

¹ اصفهانی، اعترافات، ص 464



اخیراً نیز کتابی در آمریکا با عنوان *A plan to Devide and Desolate Theology* چاپ شده که در آن، مصاحبه مفصلی از دکتر مایکل برانت، معاون ارشد رییس سابق سیا و عضو بخش شیعه شناسی سازمان سیا به چاپ رسیده است. او در این مصاحبه به صراحت اعلام می کند که در این سازمان مبلغ 900 میلیون دلار برای فعالیت های ضد شیعی اختصاص یافته است. وی می گوید: «انقلاب اسلامی ایران صرفاً محصول سیاست های نادرست شاه نبوده، بلکه عوامل دیگری نیز در آن دخیل بوده است؛ از جمله: مرجعیت دینی شیعی و مسئله عاشورا که 1400 سال پیش اتفاق افتاده است. این دو محور، شیعه را از سایر فرق اسلامی فعال تر و متحرک تر ساخته است. لذا قرار شد شعبه مستقلی برای مطالعه اسلام شیعی تأسیس شود و با بودجه ی 40 میلیون دلاری کار خود را شروع کند». برانت مراحل پروژه را این گونه بیان می کند:

(الف) جمع آوری اطلاعات؛

(ب) اهداف کوتاه مدت با تبلیغات علیه شیعه و راه اندازی آشوب های بزرگتر شیعه و سنی تا آن ها را به خود مشغول کرده، از امریکا غافل شوند؛

(ج) اهداف درازمدت، پایان کار شیعه؛

(د) مرجعیت، منشاء اصلی قدرت شیعه است. در هر زمان و مکان که خطری متوجه دین بوده، این مرجعیت بوده اند که با موضع گیری خود، خطر را رفع کرده و هیچ وقت به حاکمان غیر اسلامی بیعت نکرده اند. (برانت به فتوای برخی مراجع نظیر آیت الله شیرازی در ایران و آیت الله موسی صدر در لبنان اشاره می کند).

(ه) ماجرای عاشورا و عزاداری، شیعه را از سایر فرق اسلامی ممتاز ساخته و به آن ها روحیه آزادی خواهی، باطل ستیزی و... داده است. لذا باید روی این مراسم کار کرد.⁸⁸

این ها گوشه ای از فعالیت دشمن علیه دین و دین داری مردم است که البته به موازات آن بر وظیفه حامیان و عاشقان دین نیز افزوده می شود. نکته مهم این که جامعه دینی نباید در این مورد منفعل عمل کند. فراموش نکنیم که «من نا لم ینم عدوه»؛ هر که بخوابد، دشمن او نخواهد خوابید. در آخر توجه دشمنان دین و دین داری مردم را به این پیغام الهی جلب

¹ زیدان، تاریخ تمدن اسلام

می‌کنم که: «وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ».⁸⁹؛ و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می‌کنند و می‌پندارند از حوزه قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب [الهی] احضار می‌شوند.

8- رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

شبکه های اجتماعی قوی‌ترین ابزارها برای طرح و رواج اندیشه‌ها و کارآمدترین وسایل برای نفوذ فرهنگ‌ها و نگرش‌ها به قلب جوامع‌اند. شبکه‌ی اجتماعی متشکل از گروه‌هایی (افراد) است که به‌وسیله وابستگی‌های خاص به یکدیگر مرتبط شده‌اند.⁹⁰ افراد پس از طی دوره کودکی و رسیدن به مرحله‌ای که در آن از لحاظ فکری عمیق‌تر می‌شوند و مسائل مختلف معنوی گستره ذهن آنان را در برمی‌گیرد و در پی یافتن پاسخ برای سؤالات گسترده خود هستند. توجه به سؤالات مختلف جوانان و یافتن پاسخی مناسب برای آن‌ها از این جهت دارای اهمیت است که اگر جوانان جوابی مناسب برای سؤالات خود نیابند، به منابع اطلاعاتی چون شبکه‌های اجتماعی روی می‌آورند و این شبکه‌ها باعث می‌شوند که جوانان از دین زده شده و شاید به کج روی‌های دینی گرایش یابند. با توجه به دیدگاه شریعتی که در زمینه روی‌گردانی جوانان از دین می‌نویسد: «نیاز این نسل و کیفیت ترقی و تفکر این نسل شناخته‌شده نیست. نسلی با مدرن‌ترین اندیشه‌های امروز کم و بیش آشنا است و مکتب‌های فلسفی از هر طرف به مغزش هجوم می‌آورد، نمی‌تواند در حد یک مذهب ارثی، تقلیدی و تعبدی پایین بیاید. این‌که به نظر می‌رسد مبانی اعتقادی و ایمان مذهبی نسل جدید سست‌تر شده، نه به خاطر این است که اصولاً روح این نسل، روح لامذهبی و بیگانه با مذهب است بلکه به‌عکس، امروز بیش از پیش از هر وقت دیگر، نیاز به معنویت در نسل جوان حتی در کشور ما احساس می‌شود. متأسفانه به این نیاز جواب کافی داده نمی‌شود و در نتیجه خلأ ناشی از آن موجب آوارگی و پریشانی و رنج بیشتر از این نسل گردیده و یا با چیزهایی پر می‌شود که به فساد و تباهی منجر می‌گردد و جز این دو سرنوشت، سرنوشت

² سبا: 38

³ بخشی و دیگران، نقش و کارکرد شبکه های اجتماعی، ص 38

دیگری ندارد» می‌توان به‌ضرورت توجه به جوانان و جوابگویی به نیازهای دینی آنان پی‌برد.⁹¹

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه‌شده، چنین می‌توان نتیجه گرفت که از عوامل اصلی دین‌گزیزی جوانان ناسازگاری میان قول و عمل کسانی است که به‌طرف دین دعوت می‌کنند. عوامل دیگری از جمله غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین و یا تهاجم فرهنگی نیز تأثیر اساسی به فراوانی در این فرایند دارند. به‌هرحال، از بهترین واصلی‌ترین راه‌ها برای جلوگیری از دین‌گزیزی جوانان نشان دادن یک الگوی مناسب برای جوان می‌باشد و منادیان دین و کسانی که به طرف دین دعوت می‌کنند باید پیش از این‌که جامعه را تبلیغ کنند به فکر تزکیه و تهذیب نفس خود باشند تا مشمول آیه شریفه «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»⁹² نگردند. البته نباید از عوامل دیگر نیز غفلت کرد که هر یک به نوبه خود عامل مهمی برای دین‌گزیزی جوانان می‌باشد؛ بنابراین، با توجه به این عوامل، راهکارهایی که برای جلوگیری از این دو می‌توان بیان کرد، تقویت بینش دینی و سیاسی جوانان و زدودن فقر اقتصادی و ارائه الگوهای مناسب به جوانان می‌باشد و علتهای دیگر در اولویتها و رتبه‌های بعدی قرار دارند.

منبع

قرآن کریم

نهج البلاغه

¹ نوابخش و پوریوسفی و میرآخوری، بررسی میزان پایبندی مذهبی دانشجویان، ص 64

² صف: 2



- 1- ابن اثیر، عزالدین محمد، **النهایه فی غریبالحدیث و الاثر**، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، 1367 هـ ش.
- 2- احمد، ابوالحسن؛ زکریا، ابن مارس؛ **معجم مقیاس اللغه**، ج 3، بی تا
- 3- آرام، احمد، **ترجمه الحیاء**، قم، ج 4، 1383 هـ ش.
- 4- بابویه، محمد بن علی، **ابن الأمالی (للمدوق)**، تهران: کتابچی، 1376 هـ ش.
- 5- باربور، ایان، **علم و دین**، ترجمه: بهالالدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1362 هـ ش.
- 6- حسینی ادیانی، ابوالحسن، **آشنایی با نظام تربیت اسلام**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، 1395 هـ ش.
- 7- خمینی، سید روح الله، **صحیفه نور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، 1362 هـ ش.
- 8- خمینی، سید روح الله، **مبارزه با نفس یا جهاد کبیر**، تهران: موسسه و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1368 هـ ش.
- 9- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران، ج 2، 1377 هـ ش.
- 10- زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلام**، تهران: نشر امیر کبیر، 1389 هـ ش.
- 11- سروش، عبدالکریم، **مدارا و مدیریت**، تهران: موسسه فرهنگی صراط، 1385 هـ ش.
- 12- شعاری نژاد، علی اکبر، **فرهنگ علوم رفتاری**، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، 1375 هـ ش.
- 13- شکوهی، علی، **"عوامل و ریشه های دین گریزی از منظر قرآن و حدیث"**، 1388 هـ ش.
- 14- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج 5، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417 هـ ش.
- 15- طبرسی، فضل بن حسن، **مکارم الاخلاق**، قم: شریف رضی، 1412 هـ ق.
- 16- طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی، 1375 هـ ش.
- 17- طوسی، خواجه نصیرالدین، **آغاز و انجام (به ضمیمه تعلیقات)**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374 هـ ش.



- 18- طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- 19- عبدالواحد ابن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، مصحح: سید مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی، 1410 هـ ق.
- 20- فاروقی تهانوی، محمدعلی، **کشاف اصطلاحات الفنون**، تهران: خیام، 1967 م.
- 21- فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، لبنان- بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1420 هـ ق.
- 22- فضل الله، سید محمدحسین، **دنیای جوان**، ترجمه: مجید مرادی، بوستان کتاب، 1380 هـ ش.
- 23- فلسفی، محمدتقی، **بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات**، ج 1، هیأت نشر معارف اسلامی، چاپ دهم، بهمن 1352 هـ ش.
- 24- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، مصحح: محمد غفاری علی اکبر و آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1407 هـ ق.
- 25- لیثی واسطی، علی بن محمد، **و عیون الحکم و المواعظ**، مصحح: حسین حسنی بیرجندی، قم: دار الحدیث، 1376 هـ ش.
- 26- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بیروت: مؤسسه الوفا، 1404 هـ ق.
- 27- مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، ج 23، 1387 هـ ش.
- 28- مظلومی، رجبعلی، **گامی در مسیر تربیت اسلامی کودک تا بلوغ**، چاپ یازدهم، تهران: آفاق، 1386 هـ ش.
- 29- مغضل، ابوالقاسم الحسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب، 1404 هـ ق.
- 30- موحدنیا، فریدون، **علل گرایش نسل جوان امروز به فرهنگ بیگانه**، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1379 هـ ش.
- 31- نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1408 هـ ق.

مقالات

- 1- اصفهانی، ابراهیم، **"نگاهی به عوامل جامعه شناسی و روان شناختی دین گریزی"**، معرفت، شماره 82، 1382 هـ ش.
- 2- بخشی، بهاره و دیگران، **"نقش و کارکرد شبکه های اجتماعی"**، پژوهش نامه زنان، 1392 هـ ش.



3- شاه محمدی، عبدالرضا، "عصر ارتباطات و اطلاعات و جهانی شدن"، پژوهش و سنجش، شماره 35، 1382 هـ ش.

4- عبدالله پور، نازی و دیگران، "رابطه دین داری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز"، فصلنامه علوم اجتماعی، 1388 هـ ش.

5- معافی، لیل؛ اشرفی، عباس، "عوامل موثر بر دین پذیری و دین گریزی جوانان از دیدگاه جوانان"، معرفت، شماره 22، 1392 هـ ش.

6- میرباقری، مرتضی، مقاله مندرج در کتاب جوان رسالت حوزه، چاپ اول، بیجا، مدرسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر، 1379 هـ ش.

7- نوابخش، مهرداد؛ پوریوسفی، حمید؛ میر آخورلی، مژگان، " بررسی میزان پایبندی مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار"، پژوهش نامه علوم اجتماعی، 1388 هـ ش.

سایت

بیانات مقامات معظم رهبری، در دیدار با جوانان، 1371/02/01،
<https://farsi.khamenei.ir>

بیانات مقامات معظم رهبری، جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، 1377/11/13.
<https://farsi.khamenei.ir>